تناسب دست‌مزدها و تناسب ساعات کار*

تحت شرایط سرمایه داری در حال تلاشی، توده ها محکوم به زندگی فقیر مردمان ستم زده هستند و پیش از هر موقع دیگر خطر پیوستن به گروه گدایان و تنگ دستان، تهدیدشان می کند.

آنان باید از لقمه نان خود دفاع کنند، اگر نتوانند آن را بهتر و بیشتر به کنند. در این جا نه نیاز و نه فرصت آن هست که در آن درخواست های جداگانه و جزئی که به کرات بر اساس شرایط مشخص از قبیل شرایط ملی، محلی و اتحادیه ای ظهور می کنند، شمرده شوند. ولی دو نابسامانی اساسی اقتصادی که در آن مسخره و لغو بودن روزافزون دستگاه سرمایه داری خلا صه می شود، اولی بیکاری، و دومی گرانی قیمت ها، احتیاج به شعارها و شیوه های تعمیم یافته تری دارند.

بین الملل چهارم رزمی تزلزل ناپذیر علیه سیاست سرمایه داران را اعلام می کند. هدف سیاست این سرمایه داران، به درجه ی متنابهی، مثل سیاست مأموران دست نشانده شان، یعنی اصلاح طلبان*، مبتنی بر این نکته است که تمام بار میلیتاریزم**، بحران ها، بی سروسامانی نظام پولی و سایر فشارهای ناشی از احتضار سرمایه داری را بر گرده ی مردمان زحمت کش بنشانند. بین الملل چهارم برای همه کار و شرایط زندگی سالم می طلبد.

---

* Sliing Scale of Wages and Slidlng Scale of Hours

*- Reformists

**- Militarism

www.hks-iran.com

نه تورم پولی نه تثبیت قیمت ها، نمی توانند به عنوان شعارهای پرولتاریا به کار برده شوند، به دلیل این که آن ها سروته همان کرباس هستند. با بالا رفتن محتوم قیمت ها، که با نزدیک شدن جنگ، بیش از پیش، وضعی مهارناپذیر پیدا می کند، فقط می توان با شعار بالا رفتن متناسب دست مزدها مبارزه کرد.این بدان معناست که باید از طریق قراردادهای جمعی تضمین کرد که به نسبت افزایش قیمت کالاهای مصرفی، دست مزدها خود به خود افزایش یابد.

پرولتاریا در لبه ی پرتگاه تلاشی خود، نمی تواند اجازه دهد که بخش روزافزونی از کارگران بدل به گدایان دائماً بیکار به شود، و از تفاله و ته ماندیه غذای جامعه ای در حال سقوط تغذیه نماید. حق کار، تنها حق جدی کارگر در جامعه ای است که بر اساس استثمار بنا شده. امروز، در هر قدم، این حق از او سلب می شود. در برابر بیکاری خواه به عنوان پدیده ای "ساختی" و خواه "ادواری"، وقت آن است که در کنار شعار خدمات عمومی، شعار تناسب ساعات کار پیش کشیده شود. اتحادیه های کارگری و سایر سازمان های توده ای باید کارگر و بیکار را در نوعی یک پارچه گی ناشی از احساس مسئولیت متقابل با هم متحد کنند. با در نظر گرفتن این اصل، کار موجود، باید بین تمام کارگران موجود، بر اساس تعریفی که از ساعات کار در هفته می شود تقسیم گردد. دست مزد متوسط هر کارگر، به میزانی باقی خواهد ماند، که بر اساس میزان ساعات کار در هفته، طبق برنامه ی قبلی تعیین شده بود. دست مزدها براساس حداقلی کاملاً تضمین شده، مطابق با نوسان قیمت ها، دچار نوسان خواهد شد. قبول هر برنامه ی دیگر، در دوران فاجعه آمیز فعلی، غیرممکن است.

www.hks-iran.com

صاحبان مالکیت و وکلای آنان "تحقق ناپذیر بودن" این درخواست ها را ثابت خواهند کرد. سرمایه داران کوچک تر- به ویژه سرمایه داران مفلس- علاوه بر اعلام تحقق ناپذیر بودن این درخواست ها، به دفاتر حساب خود هم مراجعه خواهند کرد. کارگران این نوع نتیجه گیری ها و مراجعه به دفاتر را یک سره رد خواهند کرد. مسأله این نیست که بین منافع مادی متضاد، یک اصطکاک "عادی" صورت می گیرد. مسأله این است که پرولتاریا، علیه فساد، نومیدی، و انهدام، تضمین شود.

مسأله بر سر زندگی و مرگ تنها طبقه ی خلاق و پیشرو جامعه است و به همین دلیل مسأله بر سر آینده ی بشریت است. اگر سرمایه داری قادر به رفع نیازهائی که به ناچار از فجایع ناشی از خود سرمایه داری بروز کرده، نیست، به گذار سر به تن سرمایه داری نماند. "تحقق پذیری" و یا "تحقق ناپذیری" در این جا موضوعی است مربوط به روابط نیروها، که آن هم تنها می تواند از راه مبارزه قطعیت یابد. از طریق این مبارزه، صرف نظر از این که موفقیت های عملی و فوری این مبارزه چه می تواند باشد، کارگران، لزوم انهدام بردگی سرمایه داری را به عالی ترین شکل در خواهند یافت.

□

www.hks-iran.com